

هدف، بمباران جماران بود

نه آزادی جاسوس‌های آمریکایی

به بهانه سالروز شکست حمله آمریکایی‌ها به صحرای طیس در ۵ اردیبهشت ۱۳۵۹، در گفت‌وگو با شاداب عسگری

سر هنگ باز نشستہ ار تش و پژوہشگر تاریخ انقلاب، بہ بررسی زوایای ناشناختہ و ناگفتہ‌ہایی از عملیات «پنجہ عقاب» پرداختیم



جواد نوائیان رودسری – پنجم اردیبهشت سال ۱۳۵۹، هشت فروند بالگرد دو فروند هواپیمای ترابری ارتش آمریکا، در کویر شمار یک، واقع در منطقه بیابانی طیس فرود آمدند تا به ادعای کاخ سفید، عملیات آزاد کردن جاسوس‌های آمریکایی را آغاز کنند؛ عملیاتی که با وقوع توفان شن در صحرای طیس شکست خورد. با گذشت ۴۲ سال از آن اتفاق عجیب و نادر، صحبت در باره واقعه توفان شن و شکست آمریکایی‌ها، هنوز بسیار است؛ گویی هنوز هم اسراری ناگفته وجود دارد که باید با بررسی دوباره جنبه سیاه عملیات «پنجہ عقاب» واکاوی و آشکار شود. به مناسبت سالروز واقعه شکست این عملیات، به سراغ کسی رفتم که حدود ۱۰ سال است روی این عملیات و دیگر اقدامات تروریستی آمریکا و غرب علیه ایران، به صورت تخصصی، مطالعه و تحقیق می‌کند و تا کنون آثار و مقالات متعددی را در این زمینه منتشر کرده است؛ آقای شاداب عسگری، سر هنگ باز نشستہ ارتش، پژوہشگر تاریخ انقلاب و نویسنده آثاری همچون «قدر مطلق یک توطئه: کودتای نقاب به گزارش اسناد»، «تندیس استقامت: یادمان آزادگان»، «مستشاران نظامی آمریکا در ایران»، «بہائیان نظامی در حکومت پهلوی دوم»، «مواضع آمریکا در جنگ تحمیلی» و چند اثر پژوهشی دیگر که تحقیقاتش در بارہ عملیات «پنجہ عقاب» را با عنوان «عملیات طیس: واقعیت مکتوم» زیر چاپ دارد و قرار است کتاب وی توسط انتشارات شهید کاظمی، به زودی روانہ بازار نشر شود. آن‌چہ در ادامہ می‌خوانید، مشروح گفت‌وگوی صریح من با این پژوہشگر حوزہ تاریخ انقلاب است.

شده بود. بنابر این، هدف اصلی عملیات آمریکا در طیس، به شهادت رساندن امام خمینی و براندازی نظام نوبیای جمهوری اسلامی بود.

شما معتقدید آن‌چہ بہ عنوان اتهام خیانت بہ برخی فرمندان وقت نیروہای مسلح مانند سر لشکر امیر بہمن باقری، فرماندہ آن زمان نیروی ہوابی مطرح می‌شود، درست نیست و نمی‌توان دلیلی برای اثبات آن پیدا کرد. علت ارائه این دید گاہ را توضیح دهید.

اتهاماتی را کہ بہ برخی افراد، مانند سر لشکر باقری، بابت خاموش کردن ر ادارہای مرزی واردمی‌شود، بہ دلایلی باید نادیده گرفت. اولاً، ادارہای مادر آن دورہ، ر ادارہای بااثر د متوسط بودند و نمی‌توانستند ورود ہواپیما و بالگر دہای آمریکایی را نشان بدهند. دلیل ماہم این است کہ روز ۱۳ فروردین همان سال، یک ہواپیمای آمریکایی در کویر شمارہ یک طیس فرود آمد، سرنشینان آن پیادہ شدند، خاک منطقہ بررسی شد و حتی اعلامی روی زمین نصب کردند کہ شب‌ہا می‌درخشید و اہنمای فرود آمدن بالگر دہا و ہواپیما دیگر در این مسئلہ ا کار تر در خاطر اتش آور دہ است و در خاطرات دیگر صاحب منصبان آمریکایی ہم دیدہ می‌شود. هنگام ورود آن ہواپیما، ر ادارہا روشن بود، پس چر اتوانستند کار خودشان را

را کنار می‌گذارند و علیه نظام وارد عمل می‌شوند. البته این تحلیل بی‌پایه بود و نشان می‌داد کاخ سفید باز ہم محاسبہ و ارزیابی دقیقی از شرایط و اوضاع ایران نداشته است؛ اما بہ ہر حال، ہمین تحلیل مبنای آوردن اوپسی و اعزازی بہ تہران بود تا بعد از حرکت ارتش، فرماندہی آن را با توجہ بہ اشراف‌شان بر امور، بہ عہدہ بگیرند.

تصویری کہ ارائه کردید، ہولناک است؛ ۵۰ فروند ہواپیمای بمب افکن روی ناو «نیمیتس» در انتظار پرواز، نیروہای کماندو در صحرای طیس پیادہ شدہ و دو نظامی وابستہ بہ رژیم پهلوی ہم آمادہ اجرای نقشہ؛ پدافند داخلی ہم کہ کاملاً در حالت انفعال! چہ شد کہ آمریکایی‌ها نتوانستند و گریختند؟

در این اتفاق باید دست خدارا در تمام مراحل دید و حیرت کرد. سربازان نیروہای دلتا کہ قرار بود عملیات را انجام دہند، از همان ابتدای مسیر، یعنی چند روز توقف در مصر و بعد عمان، نتوانستند استراحت کنند، البتہ آن‌ہا نیروہای کم‌توانی نبودند، اما شرایط محیطی، ہوای گرم و آزار دہندہ، توان این افراد را اگر فتنہ و روی اعصاب‌شان اثر گذاشتہ بود. بہ ہمین دلیل، وضعیتی شکنندہ پیدا کردہ بودند. این مسئلہ در گزارش‌ہای بعد از عملیات ارتش آمریکا، کاملاً قابل بررسی و مشاہدہ است. خلبانان بالگر دہا ر از میان بہترین ہا برگزیدہ بودند؛ بین آن‌ہا در چہ کمتر از سر گر دو جوند داشت و علاوہ بر این، ہمین افراد باتجربہ، برای انجام عملیات، بیش از ۵۰۰ ساعت تمرین و پرواز در شرایط مشابہ منطقہ را طی کردہ بودند تا در مرحلہ اجرا، ہیچ مشکلی وجود نداشتہ باشد. اما اتفاقی افتاد کہ ہیچ کس آن را پیش‌بینی نمی‌کرد؛ پدیدہ جوی «ہیوب» بعد از ورود بالگر دہا، آن‌ہا را فرا گرفت. ہبوب گرد و غبار ہمرہا بار طوبیت فراوان است کہ ہوا را پُر از گل می‌کند. این پدیدہ چنان خلبان‌ہا را بہ وحشت انداختہ بود کہ طبق گزارش ارتش آمریکا، تعدادی از آن‌ہا بعد از فرود در صحرای طیس، استفر اغ کردند. یک بالگرد در مسیر از کار افتاد و بالگرد دیگری ہم بہ ناچار برگشت. نکته‌ای کہ بہ صراحت در این گزارش‌ہا آمدہ، این است کہ ہیچ کدام از این بالگر دہا، یعنی آن‌ہایی کہ بہ کویر شمارہ یک رسیدند، نقص فنی نداشتند! یعنی می‌توانستند پرواز کنند و برگردند، اما وحشت خلبان‌ہا از ہبوب و صحنہ‌ہای ہولناک آن، جرئت پرواز را از آن‌ہا گرفتہ بود. بہ ہمین دلیل، برخی از بالگر دہا را حتی از نظر فنی خاموش نکردند، با این کہ طبق دستور العمل‌ہای نظامی، حداقل باید آن‌ہا را بین می‌برند تا چیزی بہ دست ایرانی‌ہا نیفتد!

انجام بدهند و ورود و فرود یک ہواپیمای ناشناس را شناسایی کنند؟ واقعیت این است کہ ہواپیما ہا و بالگر دہای آمریکایی، بدون مشکل ر ادارہا ہم می‌توانستند در صحرای طیس فرود

بیایند.

برنامہ بمباران تہران و جماران، قرار بود چگونہ باعث براندازی نظام جمہوری اسلامی شود؟

اگر شما از ہم‌سن و سال‌ہای من، کسانی کہ در آن ایام جوان و در عرصہ انقلاب فعال بودند، پرسید کہ بمباران سنگین شبانہ، چہ چیزی را در ذہن‌شان نداعی می‌کرد، خواهند گفت: کودتا! در این شرایط چہ کسی متہم می‌شد کہ کودتا را انجام دادہ است؟ معلوم است، نیروی ہوابی و ارتش! آن وقت چہ اتفاقی می‌افتاد؟ درگیری با ارتش شروع می‌شد و عملاً جنگ داخلی بہ راہ می‌افتاد. ببینید، چرانیروہای آمریکایی «توتک»، جایی در ۹۰ کیلومتری تہران را برای فرود و استقرار انتخاب کردند؟ یعنی قرار بود این ۹۰ کیلومتر را در آن تویان چہار بانندہ، خیلی شیک و مجلسی جلوربوند و کسی جلوی‌شان را نگیرد و با ہیچ مانعی ہم بر خور د نکنند؟! یادمان باشد، در این زمان، مردم منتظر برگزاری دور دوم انتخابات مجلس شورای اسلامی دورہ اول بودند و شرایط بسیار حساس بود. یک سوال بسیار مہم کہ شاید کمتر کسی آن را مطرح کردہ، این است کہ چر آمریکایی‌ہا دوا ر تشید دورہ پهلوی را با خودشان بہ عملیات طیس آور دہ بودند؟ مگر نظامیان آمریکایی ناظر لازم داشتند؟! از مجموع ارتشبدہای دورہ پهلوی، در زمان حملہ آمریکایی‌ہا، شش نفر مُردہ بودند، یک نفر بہ دلیل چنایتاش، بعد از انقلاب اعدام شدہ بود. دو نفر هنوز در ایران حضور داشتند، دو نفر ہم بہ تازگی فرار کردہ بودند و فقط دو نفر این امکان را داشتند کہ با مہاجمان ہمکاری کنند و البته نشانہ‌ہایی کہ در اسناد انتشار یافتہ آمریکایی‌ہا وجود دارد، خبر از حضور آن‌ہا می‌دہد؛ ارتشبد اعلامی اوپسی و ارتشبد سعید اعزازی. اوپسی، فرماندہٗ اندازمری و در چہار سال آخر عُمر رژیم شاہ، فرماندہ نیروی زمینی بود. این دو بخش از نیروہای مسلح ایران، بالاترین تعداد نفرت را داشتند. اعزازی ہم جانشین فرماندہی نیروی ہوابی در دورہ پهلوی بود و البتہ، وابستہ بہ فرقه ضالہ بہائیت. این‌ہا قرار بود چہ کار کنند؟ تحلیل آمریکایی‌ہا این بود کہ بعد از بمباران تہران و درگیری میان ارتش و مردم، نیروہای مسلح بی‌طرفی خود

را کنار می‌گذارند و علیه نظام وارد عمل می‌شوند. البته این تحلیل بی‌پایه بود و نشان می‌داد کاخ سفید باز هم محاسبہ و ارزیابی دقیقی از شرایط و اوضاع ایران نداشته است؛ اما بہ ہر حال، ہمین تحلیل مبنای آوردن اوپسی و اعزازی بہ تہران بود تا بعد از حرکت ارتش، فرماندہی آن را با توجہ بہ اشراف‌شان بر امور، بہ عہدہ بگیرند.

تصویری کہ ارائه کردید، ہولناک است؛ ۵۰ فروند ہواپیمای بمب افکن روی ناو «نیمیتس» در انتظار پرواز، نیروہای کماندو در صحرای طیس پیادہ شدہ و دو نظامی وابستہ بہ رژیم پهلوی ہم آمادہ اجرای نقشہ؛ پدافند داخلی ہم کہ کاملاً در حالت انفعال! چہ شد کہ آمریکایی‌ها نتوانستند و گریختند؟

در این اتفاق باید دست خدارا در تمام مراحل دید و حیرت کرد. سربازان نیروہای دلتا کہ قرار بود عملیات را انجام دہند، از همان ابتدای مسیر، یعنی چند روز توقف در مصر و بعد عمان، نتوانستند استراحت کنند، البتہ آن‌ہا نیروہای کم‌توانی نبودند، اما شرایط محیطی، ہوای گرم و آزار دہندہ، توان این افراد را اگر فتنہ و روی اعصاب‌شان اثر گذاشتہ بود. بہ ہمین دلیل، وضعیتی شکنندہ پیدا کردہ بودند. این مسئلہ در گزارش‌ہای بعد از عملیات ارتش آمریکا، کاملاً قابل بررسی و مشاہدہ است. خلبانان بالگر دہا ر از میان بہترین ہا برگزیدہ بودند؛ بین آن‌ہا در چہ کمتر از سر گر دو جوند داشت و علاوہ بر این، ہمین افراد باتجربہ، برای انجام عملیات، بیش از ۵۰۰ ساعت تمرین و پرواز در شرایط مشابہ منطقہ را طی کردہ بودند تا در مرحلہ اجرا، ہیچ مشکلی وجود نداشتہ باشد. اما اتفاقی افتاد کہ ہیچ کس آن را پیش‌بینی نمی‌کرد؛ پدیدہ جوی «ہیوب» بعد از ورود بالگر دہا، آن‌ہا را فرا گرفت. ہبوب گرد و غبار ہمرہا بار طوبیت فراوان است کہ ہوا را پُر از گل می‌کند. این پدیدہ چنان خلبان‌ہا را بہ وحشت انداختہ بود کہ طبق گزارش ارتش آمریکا، تعدادی از آن‌ہا بعد از فرود در صحرای طیس، استفر اغ کردند. یک بالگرد در مسیر از کار افتاد و بالگرد دیگری ہم بہ ناچار برگشت. نکته‌ای کہ بہ صراحت در این گزارش‌ہا آمدہ، این است کہ ہیچ کدام از این بالگر دہا، یعنی آن‌ہایی کہ بہ کویر شمارہ یک رسیدند، نقص فنی نداشتند! یعنی می‌توانستند پرواز کنند و برگردند، اما وحشت خلبان‌ہا از ہبوب و صحنہ‌ہای ہولناک آن، جرئت پرواز را از آن‌ہا گرفتہ بود. بہ ہمین دلیل، برخی از بالگر دہا را حتی از نظر فنی خاموش نکردند، با این کہ طبق دستور العمل‌ہای نظامی، حداقل باید آن‌ہا را بین می‌برند تا چیزی بہ دست ایرانی‌ہا نیفتد!

برگردیم بہ ماجرای برخی از عوامل داخلی در جریان این حملہ کہ طبق صحبت شما، یک اقدام براندازانہ بود. این عوامل داخلی چہ کسانی بودند؟ معمولاً از ابوالحسن بنی‌صدر بہ عنوان یکی از آن‌ہا نام بردہ می‌شود. نظر شما در این بارہ چیست؟

بہ نظر من، قطعاً گروهی خائن در داخل کشور، برای انجام عملیات فعال بودند؛ در این موضوع نمی‌توان تردید کرد. اما بخش مہمی از کسانی کہ بعد ہا در مظان اتهام قرار گرفتہ بودند، در واقع اطلاعی از اجرای حملہ نداشتند. در حقیر بودن عوامل داخلی ہمین بس کہ آمریکایی‌ہا آن‌ہا را آدم حساب نکردہ بودند تا در جریان جزئیات حملہ قرار بگیرند. بدیہی است کہ اگر بمباران اتفاق می‌افتاد، این افراد ہم وارد عمل می‌شدند، اما بخش مہمی از آن‌ہا، از کیفیت اجرای برنامه اطلاعی نداشتند. باآن کہ در ارتباط بنی‌صدر با آمریکایی‌ہا تردیدی نیست، چیزی در بارہ این حملہ و اہداف آن نمی‌دانست یا حداقل ما مدیر کی نداریم کہ این مسئلہ را نشان بدهد. اما او، درست‌شبی کہ قرار بود تہران بمباران شود، دست‌زن و بچہ‌اش را گرفته و بہ اہواز بر دہود! چر؟! چہ کسی بہ بنی‌صدر گفت کہ سفرش بہ خوزستان را پنج ہفتہ عقب بیندازد و بعد، درست همان شب کذایی، بہ خوزستان برود، آن ہم با ہاہل و عیال؟! قطعاً آمریکایی‌ہا نمی‌خواستند مہرہ‌شان بسوزد، آن‌ہم سہ چہار ماہ بعد از آغاز ریاست جمہوری او.

بنی‌صدر باید زندہ می‌ماند تا بعد از شہادت حضرت امام، بہ تہران برگردد و نقش‌ریا کہ برایش در نظر گرفته‌اند، ایفا کند.

برخی با این دید گاہ کہ بنی‌صدر در جریان برنامه قرار نداشت، موافق نیستند و دلیل آن را ہم دستور وی دانند.

ببینید، عرض کردم کہ خلبان‌ہای آمریکایی ترسیدہ بودند؛ وقتی در آن گیرو دار، یک بالگرد بہ یکی از ہواپیما ہا اصابت کرد، شرایط روحی آن‌ہا بدتر ہم شد. بہ ہمین دلیل، بدون

تاریخ



۶۶ اصولاً هدف عملیات آمریکایی‌ها در طیس، محدود بہ آزاد کردن جاسوس‌ہا نبود. آن‌ہا فقط بہ این بہانہ وار د ایران شدہ بودند تا اگر قرار بر پاس‌خگویی بہ جامعہ چہانی شود، بحث جاسوس‌ہا را پیش بکشند. هدف اصلی، بمباران تہران و بہ ویژہ، جماران بود

این کہ تجہیزات را از بین ببرند، معرکہ را خالی کردند. گفتم کہ دو بالگرد روشن ماندہ بود. ہمین مسئلہ شبہ و تردید برخی را برانگیخت؛ آیا آمریکایی‌ہا هنوز ہم در منطقہ بودند؟ این موضوعی بود کہ صبح روز بعد، نیروہای حاضر در محل، یعنی نیروہای ارتش، سپاہ، کمیتہ وژاندازمری از خود می‌پرسیدند. متأسفانہ ہیچ کس در شرایط جلورفت تابییند وضع از چہ قرار است.

مگر شہید محمد منتظر قائم، فرماندہ سپاہ یزد کہ در همان روز و ہمین منطقہ شہید شد.

دقیقاً ہمین طور است. شہید منتظر قائم کاری را انجام داد کہ ہیچ کس انجام ندادہ بود؛ حالا دلیل انجام ندادن ترس بود یا چیز دیگر، فعلاً کاری نداریم. اورفت ببیند داخل این بالگر دہا چیست؟ رفتند و دیدند مقدار زیادی پول، شامل ریال ایرانی و دلار آمریکایی، بہ علاوہ اسناد پروازی داخل بالگرد ہاست کہ البتہ سندہای مہمی بود و نشان می‌داد این ہا قرار بود چہ مکان‌ہایی را بمباران یا در کجانیرو پیادہ کنند. زمانی کہ این مدارک جمع‌آوری شد و خواستند بیرون بیایند، ہواپیمایی کہ دستور داشت بالگر دہا را از کار بیندازد، بہ خروج افراد از بالگرد ہا مشکوک شد و ساعت حدود شش بعد از ظہر، آن‌ہا را هدف قرار داد. شہید منتظر قائم در این مکان و زمان، بہ فیض شہادت نائل آمد.

نکتہ ہمین جاست؛ چر باید بنی‌صدر دستور انہدام بالگر دہایی را بدہد کہ در آن‌ہا کلی سند و مدرک وجود داشت؟

گفتم کہ دو بالگرد روشن بودند و ہمین مسئلہ، ظن حضور آمریکایی‌ہا را در منطقہ تقویت می‌کرد. مرحوم سر لشکر شادمہر، رئیس وقت ستاد مشترک ارتش، با بنی‌صدر تماس گرفت و گفت کہ تا ہمین جا ہم آبروی ارتش رفته است؛ آمریکایی‌ہا بدون ہیچ مانعی وار د ایران شدہ اند و حالا اگر فرار کنند، خوب نیست. اجازہ بدہید ملخ‌ہای بالگر دہا را بزیم تا نتوانند فرار کنند.

آخر این کہ شدنی نیست! واقعاً می‌خواستند ملخ بالگرد را با مسلسل اف. ۴ از آن ر تفاع بالا بزنند؟! شدنی هست یا نیست، آن‌ہا این کار را انجام دادند. واقعاً این کار را کردند. در عکس‌ہایی کہ از این واقعه باقی ماندہ است، می‌توان رد گلولہ را روی ملخ ہا دید. اما علت انفجار دو بالگرد، پُر بودن باک آن‌ہا از بنزین بود. باک دو بالگردی کہ منفرج شدند، بنزین داشت و با اصابت گلولہ اف. ۴، آتش گرفت و منہدم شد. اتفاقاً شہید منتظر قائم ہم بر اثر اصابت ترکش ہمین انفجار ہا بہ شہادت رسید.

و آخرین سوال کہ شاید تکراری باشد، این است کہ بہ اعتقاد شما، عوامل خیانتکار داخلی چہ نقشی در این واقعه داشتہ‌اند؟

ببینید، آن چہ می‌گویم، حاصل ۱۰ سال تحقیق و سندوقوانی است. ما در آن شرایط، کاملاً منفعل بودیم. اصلاً نمی‌دانستیم چہ خبر است؟ نمی‌دانستیم چہ اتفاقی در حال رخ دادن است، این خواست خدا بود کہ جمہوری اسلامی، از آن مہلکہ عجیب نجات پیدا کرد. اما در بارہ سوال شما، باز ہم تکرار می‌کنم: من نمی‌گویم عوامل خائن داخلی در این ماجرا دخیل نبودند، اما می‌گویم برخی از افرادی کہ آن‌ہا را در این ماجرا دخیل می‌دانیم و در مظان اتهام قرار می‌دہیم، در گیر این ماجرا نشدند. توضیح این مطلب را بہ صورت کامل و واضح، در سخنانم ارائه کردہ‌ام.

آب را ہدر ندہید ہر چند کنار نہر جاری باشد . پیامبر گرامی اسلام صلی ... علیہ و آلہ وسلم

آگهی فراخوان ارزیابی کیفی انتخاب مشاور

شرکت آب و فاضلاب مشهد در نظر دارد بر اساس آئین نامہ خرید خدمات مشاور نسبت به انتخاب مشاور ذیصلاح جهت خدمات مشاور مرحله سوم (نظارت عالیه و کار گاهی) احداث تصفیه خانہ فاضلاب شمارہ ۷ شهر مشهد اقدام نماید . بدین منظور از کلیہ مهندسین مشاور واجد صلاحیت در رشته تأسیسات آب و فاضلاب رتبہ یک دعوت بہ عمل می آید جهت خرید اسناد ارزیابی بہ نشانی مشهد،خیابان فلسطين ، فلسطين ۲۶، شرکت آب و فاضلاب مشهد ، دفتر قراردادها و یا ساپت اینترنتی http://iets.mporg.ir مراجعه نمایند .
تاریخ دریافت استعلام ارزیابی کیفی : از تاریخ درج آگهی لغایت ۱۴۰۲/۲/۱۰ باشد
تاریخ تحویل پاکات ارزیابی کیفی: ساعت ۱۵ مورخ ۱۴۰۲/۲/۱۹ باشد.
محل تسلیم پاکات ارزیابی کیفی : مشهد ، خیابان فلسطين ، فلسطين ۲۶، دبیرخانہ مرکزی شرکت آب و فاضلاب مشهد و در صورت ابهام با شمارہ ۰۵۱-۳۷۰۰۸۱۲۵ تماس حاصل نمایند .
روش انتخاب مشاور به صورت QCBS (کیفیت و قیمت) و مدت قرارداد ۳۰ ماه می باشد .
هزینه دو نوبت درج آگهی به عہدہ مشاور منتخب خواهد بود .

دفتر روابط عمومی و آموزش همگانی شرکت آب وفاضلاب مشهد

واحد صفحه آرایي روزنامه خراسان

سفارش می پذيرد

صفحه آرایي

خرید و فروش آسان

در نیازمندیهای خراسان

۳۷۰۱۰

پذیرش تلفنی آگهی بااینک رایگان

آگهی مزایده

کشت و صنعت مروارید دشت سلامی
در نظر دارد ۳۳ کیلوگرم سرگل زعفران خشک پرسی و ۲۵۰ کیلوگرم پسته خشک احمد آقایی با انس ۳۱ تولیدی خود را به بالاترین قیمت نقدادر محل مزرحه بفروش رساند متقاضیان می توانند، قیمت پیشنهادی خود را به دفتر مزرحه شرکت واقع در بخش سلامی شهرستان خواف یا به دفتر شرکت در مشهد، واقع در خیابان فلسطين بین فلسطين ۷۵ و پلاک ۲۷ تا پایان وقت اداری ۱۴۰۲/۰۲/۰۹ به همراه یک برگ چک بانکی یا فیش واریزی معادل ۲۰ درصد قیمت کل پیشنهادی بعنوان تضمین شرکت در مزایده تحویل و رسید دریافت نمایند شرکت در ردی قبول پیشنهادات واصله مختار می باشد .
کلیه هزینه های قانونی شامل هزینه کارشناسی، آگهی مزایده به عهده برنده مزایده خواهد بود.
تلفن ۰۹۱۵۱۳۳۳۴۵-۰۰۹۱۳۱۱۴۴۵
رسول نجیب سرویست شرکت